

هیچ‌جا با مقاومتی روبه‌رو نشوند؟

- این گروه از چه مسیری خود را به مینودشت رسانده‌اند؟ از حاشیه آبدی‌ها یا از ارتفاعات کوهستانی؟ (شناسائی این مسیر از آن‌رو اهمیت دارد که مناطق آسیب‌پذیر را به ما می‌شناساند.)

- اگر عده این نفوذی‌ها فقط ۵ نفر بوده، چرا برای سرکوبی و نابودی آنها یک جنگ ۴۸ ساعت در گرفته است؟

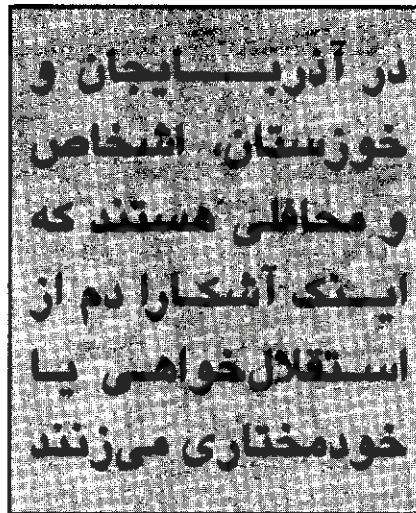
- پس از سرکوبی این افراد در مورد انگیزه‌های واقعی آنها برای انتخاب منطقه مینودشت و گنبدکاووس چه تحقیقی انجام شده و چه نتایجی به دست آمده است؟ (این پرسش نیز از آن‌رو اهمیت دارد که مینودشت مرز منطقه ترکمن‌نشین است و ما از یاد نبرده‌ایم در فردای پیروزی انقلاب چه آشوبی به نام خلق ترکمن برپا شد.)

و عمق مجموعه این پرسش‌ها وقتی مشخص می‌شود که توجه کنیم هم شرق و هم غرب، هم آمریکا و هم روسیه و چین، همگی اذعان دارند که آن بخش از افغانستانی که تحت سلطه طالبان قرار دارد، به صورت مرکزی برای تربیت چریک‌های جدائی‌خواه در سرزمین‌های پیرامونی خود (کشمیر، ایغورستان، آسیای میانه و حتی قفقاز) درآمدہ است. (به عنوان نمونه بنگرید به ترجمه مقاله نیوزویک ۵ ژوئن ۲۰۰۰ در شماره ۱۱۴ همین ماهنامه - صفحات ۵۷ و ۵۸)

ظهور گروه طالبان و قدرت گرفتن سریع آن، از همان ابتدای کار، کنجکاو و تردید کارشناسان سیاسی و به ویژه گروهی از ایشان را که به مسایل این منطقه آشنایی و حساسیت دارند، برانگیخت. تردیدها از آنجا آغاز شد که ایدئولوژی این گروه در ظاهر نوعی اسلام مسخ شده و افراطی بود، اما آنان در عالم واقعیت، ایدئولوژی خود را بر یک قوم‌گرایی افراطی بنا نهاده بودند. این واقعیت نه فقط از چشم رهبران کشورهای پیرامون افغانستان به دور ماند، بلکه حتی پاکستان که بیش از هر کشوری با قوم پشتون سر و کار دارد و از ناحیه مسائل مربوط به این موضوع آسیب‌پذیر است، نتوانست دریابد پر و بال دادن به طالبان، در واقع مار در آستین پروردن است. (در سطور آتی نشان خواهیم داد که این مار شروع به نیش زدن کرده

است)

علی‌رغم غفلت‌زدگی یا تغافل سران کشورهای پیرامون افغانستان یا کشورهای ذینفع در این منطقه، گروهی از کارشناسان، از همان ابتدا موضوع ظهور طالبان را در قالب تعاریف ویژه‌ای گنجانده و در مورد آن اظهارنظر کردند. این گروه از تحلیلگران، با واقع‌بینی، خلق کردن طالبان را که در آن زمان با هدف استقرار یک حکومت دست‌نشانده آمریکا - پاکستان و عربستان سعودی در افغانستان، و برای ایجاد یک شاهراه تجاری و یک خط انتقال نفت و گاز از آسیای میانه به اقیانوس هند (از طریق پاکستان) تعریف می‌شد، جدی نگرفتند و به قضیه از زاویه دیگری نگریستند.



این نگرش موجب شد آنان دریابند تسلط طالبان بر افغانستان آغاز یک دوره پرتنش و بحرانی برای کشورهای منطقه خواهد بود. نوشته‌ها و تحلیل‌های این گروه در نشریات مختلف چاپ شد و از جمله ماهنامه گزارش مقالات و تحلیل‌های متعددی را در این باره چاپ کرد.^(۱)

وقتی طالبان موفق به تسخیر مزار شریف شد و عوامش پس از اشغال کنسولگری ایران، مبادرت به قتل عام هیأت سیاسی ایران کردند، مقامات کشور برای اولین بار متوجه شدند با چه گروهی سر و کار دارند. اما این آگاهی واجد چنان عمقی نبود تا اراده لازم را برای مقابله با تهدیدهای ناشی از قدرت‌یابی طالبان در آنان ایجاد کند.

دو سال قبل، این ماهنامه طی نامه‌ای

محرمانه، موقعیت و اهداف طالبان و برنامه‌های آنان در مورد ایران را، همراه با پیشنهادهایی برای خنثی‌سازی خطراتی که از ناحیه این دار و دسته متوجه ایران و تمامیت ارضی آن است، به آگاهی آقای سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور رساند. خوشبختانه این نامه مؤثر واقع افتاد که یک دلیل آن نامه زیر است:

شماره: ۷۴۷-۷۷/م

تاریخ: ۱۳۷۷/۷/۶

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

باسلام

نامه‌ی شماره‌ی ۷۷/۷۳۰۹۵ مورخ ۷۷/۶/۲۳

ماهنامه گزارش، موضوع پیشنهاد ایجاد سازمان همکاری منطقه‌ای برای مقابله با بحران افغانستان، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

جناب آقای دکتر روحانی

جناب آقای دکتر خرازی

ملاحظه فرمایید.

سیدمحمدعلی ابطی

رونوشت: - جناب آقای حیدری

سردبیر محترم ماهنامه گزارش

در همین ایام ۲۵۰ هزار نیرو به مرزهای شرقی اعزام شد که در واقع هشدار بود به سران طالبان. همزمان، رسانه‌های نوشتاری کشور، با درک مسئولیت خود در زمینه امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور، اقدام به افشاگری در مورد ماهیت طالبان و اهداف آن کردند. و در مجموع شرایطی چاکم شد که نوید می‌داد ایران خود را در برابر فتنه طالبان بیمه می‌کند. اما این شور و آگاهی خیلی زود فرو نشست. هم دولتمردان و هم رسانه‌ها چنان به مسائل سیاسی داخلی و درگیری‌های جناحی سرگرم شدند که فراموش کردند چه خطری از ناحیه شرق، کشور را تهدید می‌کند. لذا، اینک با وجود استقرار آنبوهی از نیروهای نظامی و انتظامی در مرزهای شرقی، عوامل وابسته به طالبان مداوماً

به داخل ایران نفوذ می‌کنند، ناامنی به وجود می‌آورند، گروگان می‌گیرند و از طریق حمل و نقل مواد مخدر تخم فساد و اعتیاد می‌پراکنند. رسانه‌های جناح اصلاح طلب به این مسایل کمتر می‌پردازند. رسانه‌های طیف مقابل هم که اخبار تجاوز مزدوران طالبان و هرج و مرج آفرینی آنان در شرق خراسان را منعکس می‌کنند، بیشتر به متهم کردن دستگاه‌های دولتی به بی‌کفایتی و نشان دادن ضعف رقبای سیاسی خود نظر دارند تا نشان دادن عمق خطری که از ناحیه طالبان امنیت و تمامیت ارضی کشور را تهدید می‌کند.

موضوع حیثیت‌انگیز در این میانه آنکه، اخیراً ایران کنسولگری خود را در هرات نیز بازگشایی کرده و اجازه می‌دهد هم از بنادر جنوبی کشور کالا به افغانستان ترانزیت شود و هم از طریق مرز تایباد مبادلات بازرگانی بین تجار دو کشور جریان یابد. این اقدامات و تسهیلات را همه کارشناسان در راستای تقویت شدن طالبان ارزیابی کرده‌اند.

در چنین شرایطی است که مزدوران طالبان دامنه مناطق عملیاتی خود را وسعت می‌بخشند و تا منطقه حساس گنبد کاووس پیش می‌روند. توجه به خبر دیگری که مقارن با حادثه مینودشت به نحو بسیار کم‌رنگی در برخی مطبوعات کشور انتشار یافت می‌تواند تا حد زیادی ماهیت واقعی نیت طالبان را نشان دهد. خبر از این قرار است:

«محمد افضل خان» رئیس حزب پشتونخواه پاکستان ضمن درخواست استقلال برای پشتون‌های این کشور اعلام کرد حزب او در نظر دارد مجلس ملی پشتون‌ها را در آبان ماه جاری در پیشاور تشکیل دهد. منطقه پشتونستان شامل بخش‌های وسیعی از کشور پاکستان است و بسیاری از مردم این مناطق خود را متعلق به افغانستان می‌دانند و خواهان کشور مستقل پشتون هستند. دولت پاکستان که با کمک آمریکا و عربستان گروه طالبان را به وجود آورد، اینک خود در معرض اختلافات داخلی و تجزیه قرار گرفته است و افکار طالبانی در این کشور به شدت ترویج می‌شود.

رسالت و جمهوری اسلامی ۷۹/۷/۱۲
اگر توجه کنیم که ایجاد یک کشور جدید با نام «پشتونستان بزرگ» جزئی از یک طرح

استعماری است، آنگاه متوجه می‌شویم چرا در یک برهه از زمان، هم در پاکستان سخن از استقلال پشتون‌ها به میان می‌آید و هم یک گروه مسلح طالبانی در مرز منطقه ترکمن‌نشین ایران ظاهر می‌شوند.

* رادیو آزادی که بودجه آن از سوی سازمان «سیا» تأمین می‌شود، در بخش آذری خود مدعی شد، گروهی از روشنفکران استان‌های آذری‌نشین ایران با ارسال نامه‌ای به رئیس جمهور از «وضعیت حقوق



نقشه ترسیم برنارد لوئیس برای خاورمیانه و ایران. دقت در نقشه و انطباق کشورهای مفروض در آن، نشان می‌دهد در آن قسمت‌هایی که به ایران مربوط است، تحرکات ناخوشایند در مناطقی که در این گزارش به آنها اشاره شده، کاملاً با این نقشه انطباق دارد. آخرین تحرک ناخوشایند، انفجار بمب نیرومندی در مقابل مسجد علی‌ابن‌ابی‌طالب زاهدان بود که باید به مثابه هشدار جدی تلقی شود

آذری‌تبارها در ایران» ایراز ناخشنودی کرده‌اند و فارس‌زبان‌ها را متهم به وارد آوردن فشارهای اجتماعی بر آذری‌ها نموده‌اند. این رادیو مأموریت دارد با ترویج «پان ترکیسم» به ایجاد تفرقه و فتنه در مناطق آذری‌نشین جمهوری اسلامی ایران بزند. مشابه این اظهارات از قول یک نماینده اهل خوزستان در مجلس درباره این استان از تلویزیون ایسوی پی پخش شده است. این همزمانی، حکایت از توطئه مشترکی علیه وحدت ملی ایران دارد.

روزنامه جمهوری اسلامی - ۷۹/۷/۱۱ - صفحه ۲ - ستون «جهت اطلاع»

مدارکی که در بالا به آنها اشاره کردیم و تسلیم سازمان‌های مسئول شد، نشان می‌داد که گروهی که اندیشه شوم «تشکیل آذربایجان جنوبی» را ترویج می‌کنند، از حمایت مالی و سیاسی باکو و آنکارا برخوردارند.

تشکیل پشتونستان بزرگ که شامل پشتونستان پاکستان، افغانستان و قسمتی از خراسان در ایران است، بخشی از طرح موسوم به «طرح پیشنهادی بریتانیا برای خاورمیانه» - که به طرح «برنارد لوئیس» نیز معروف است - محسوب می‌شود. (جزئیات این طرح در شماره ۹۹ - اردیبهشت ۷۸ - ماهنامه گزارش، صفحات ۲۳-۲۱ چاپ شده است)

اندیشه‌های شوم برای آذربایجان و خوزستان

در صفحه سوم شماره ۱۰۵ این ماهنامه - آبان ۱۳۷۸ - مطلبی چاپ شد با عنوان «توطئه تشکیل آذربایجان جنوبی را جدی بگیرید». این نوشته کوتاه، مستند به مدارکی بود که برای آگاهی مقامات مسئول حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور ارسال شد. اینک به خبری تازه توجه کنیم:

ما می‌دانیم که با حمایت دولت باکو چهار سازمان تجزیه‌طلب که خواب تشکیلات آذربایجان بزرگ وابسته به پان ترکیسم را در سر می‌پرورانند، از سال‌ها قبل فعالند. این چهار سازمان عبارتند از: ۱- «جبهه خلق آذربایجان» ۲- «فدائیان آذربایجان جنوبی» ۳- «فرقه دموکرات آذربایجان» و ۴- «سازمان احیاء آذربایجان جنوبی»

پیش‌تر، علاوه بر مقاله شماره ۱۰۵، تحلیل‌ها و مقالاتی متعدد در مورد برنامه‌های گروهک‌های تجزیه‌طلب و حامیان آنها در همین مجله چاپ شد. (به عنوان نمونه رجوع کنید به مقاله «تجزیه ایران؛ پرونده در بایگانی راکد است؟» مندرج در شماره ۶۹ - آبان ۱۳۷۵ - صفحات ۲۳ تا ۲۵)

سازمان‌های مسئول یا هشدارهای مستتر در این تحلیل‌ها را بی‌پایه دانستند یا آن‌ها را چندان جدی و در خور اهمیت تلقی نکردند، ولی اکنون روزنامه جمهوری اسلامی خبر از «ایجاد تفرقه و فتنه در مناطق آذری‌نشین جمهوری اسلامی» می‌دهد.

اخباری که از استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل و زنجان می‌رسد، حکایت از گسترش نگران‌کننده و تفرقه‌افکنانه فعالیت‌های عوامل پان ترکیسم دارد. برخی از این اخبار حاکی است مقادیری اسلحه به داخل حمل و مخفی شده است که امیدواریم بی‌پایه باشد.

اکنون پرسش اساسی این است که سازمان‌های مسئول در زمینه حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران برای خنثی‌سازی این تحریکات و تحرکات چه کرده‌اند؟

روزنامه جمهوری اسلامی که در ستون «جهت اطلاع» آن اخبار ویژه امنیتی منعکس می‌شود، چند روز بعد دو خبر دیگر در همان ستون چاپ کرد که قسمت‌هایی از آنها بدین قرار است:

* اخیراً چند نشریه با خط مشی قوم‌گرایی و ناسیونالیسم در خوزستان توزیع می‌شوند. این نشریه‌ها که معمولاً توسط دو یا سه نفر اداره می‌شوند و مرکز آنها در تهران می‌باشد صرفاً در منطقه خوزستان توزیع می‌گردند. استفاده از اسامی معقول، «محرمه» به جای خرم‌شهر، «عبادان» به جای آبادان، «خفاجیه» به جای سوسنگرد، به کار بردن کلمه «خلیج»

به جای «خلیج فارس» و بسیاری از موارد دیگر که نشان از سرخ‌های خارج از مرز دارد از ویژگی‌های این نشریات است.

* یکی از نمایندگان اهواز در مجلس که عنصری تندرو می‌باشد و دارای گرایشات شدید ناسیونالیسم عربی است، اخیراً در جلسات سخنرانی و مصاحبه‌ها اقدام به تحریکات قوم‌گرایی کرده است...

روزنامه جمهوری اسلامی - ۷۹/۷/۱۶
مشاهده می‌شود که موضوع تحریک و ایجاد تنش در خوزستان نیز بسیار جدی است. چندان جدی که یک نماینده مجلس شورای اسلامی هم در مصاحبه با تلویزیون ابوظبی و هم در سخنرانی‌های داخلی خود علناً قوم‌گرایی (و لاجد خلق عرب) را محور تبلیغات خود قرار داده است.

تقارن نفوذ عناصر مسلح طالبان به مرزهای منطقه ترکمن‌نشین ایران و تقاضای مستقل شدن پشتونستان پاکستان کسی را به یاد نقشه برنارد لونیس می‌اندازد؟

زمانی که در آستانه استقرار رژیم جمهوری اسلامی ایران فتنه‌های گوناگونی در سراسر کشور - و از جمله ماجرای خلق عرب در خوزستان - ایجاد شد، ناوگان‌های آمریکا، انگلیس و... در خلیج فارس جا خوش نکرده بودند، و امارات

عربی متحده هم زرمه ادعای مالکیت واهی خود بر جزایر سه‌گانه را سر نداده بود، معهداً به خاطر داریم که مهار بحران در خوزستان، ترکمن صحرا و کردستان چه رنج‌هایی را به ملت ایران و مردم این مناطق تحمیل کرد. حال، اگر این فتنه‌ها کنترل نشود، معلوم نیست چه بهائی باید بپردازیم.

بر مواردی که بر شمرده شد، باید خطرات بالقوه دیگری را هم افزود. یکی از این خطرات اقلیتی از ایرانی تبارترین اقوام، یعنی کردها هستند که مترصد فرصتند تا در غرب کشور آتش افروزی کنند. ما باید اوضاع عمومی در بلوچستان را نیز بر فهرست بالا بیفزائیم. و بالاخره، باید این واقعیت تلخ را متذکر شویم که عده‌ای ناآگاه، متعصب یا مغرض با جریحه‌دار کردن احساسات مذهبی ایرانیان اهل تسنن، دانسته یا نادانسته، آب به آسیاب بدخواهانی که برای تمامیت ارضی ایران خواب‌های شومی دیده‌اند، می‌ریزند. (شعارنویسی بر در و دیوار علیه باورهای اهل تسنن در مناطق شرقی کشور که به نظر می‌رسد از سوی عوامل نفوذی و سرسپرده انجام می‌شود، یک نمونه قابل ذکر است)

بار دیگر به نقشه پیشنهادی «برنارد لونیس» نگاهی بیفکنیم و حوادثی را که در این تحلیل به آنها اشاره شد با مناطق و کشورهای فرضی ترسیم شده در این نقشه تطبیق دهیم. شاید نقشه برنارد لونیس هرگز در جغرافیای رسمی جهان گنجانده نشود و طرح او به مرحله اجرا در نیاید، اما حتی اگر چنین اطمینانی هم حاصل شود، نباید نسبت به بحران‌های نیمه‌پنهان در خراسان، شمال استان گلستان، آذربایجان، خوزستان، بلوچستان و آن سوی مرز کردستان بی‌توجه باشیم.

درگیری‌های سیاسی داخلی و قدرت‌طلبی گروه‌های سیاسی درون حاکمیت نباید مقوله‌ای حیاتی و بنیانی به نام «تمامیت ارضی» ایران را به حاشیه فراموشی براند. دولتمردان ایران باید پذیرای مسئولیت‌های خود در این مورد باشند.



۱- از جمله نگاه‌کننده به شماره‌های ۷۰ (صفحات ۲۴-۲۲)، ۷۱ (صفحات ۲۹-۲۸)، ۷۶ (صفحات ۳۲-۲۹)، ۷۷ (صفحات ۳۲-۳۰) و ۹۳ (صفحات ۴۲-۴۰)